****

[**www.iran57.com**](http://www.radioazadegan.com/Akhbare%20Rooz%20Apr%202016/www.iran57.com)

**نفیر جنگ از هر سو زبانه می‌کشد**

سخن روز

یکی از ترفندهای قدیمی حکومتگران برای مقابله با بحران‌های برخاسته از نظام طبقاتی به راه‌اندازی ‌جنگ‌های خانمان‌برانداز و ويرانگر بوده است‌.‌ نگاهی به تاریخ ‌جنگ‌ها و لشکرکشی‌ها در تاریخ تا کنونی جهان‌ بیانگر آن است که جنگ میان قدرتمداران از آن روی زبانه می‌کشد و شعله‌ها‌ می‌افروزد تا آنان بتوانند چند صباحی دیگر به حاکمیت خود ادامه دهند و با دست زدن به توسعه‌طلبی‌ها‌، توسعه‌طلبی‌ سیری‌ناپذیرشان را تداوم بخشند و از پاسخگوئی به مشکلات خود ساخته بگریزند‌.

جنگ‌،کشتار و بی خانمانی به بار‌ می‌آورد؛، جنگ ویرانی و در به دری برای کارگران و زحمتکشان به ارمغان دارد‌، زندگی‌ها را نابود می‌کند‌، کودکان‌، زنان و سالخوردگان را به فجیع ترین وضع ممکن به دم تیغ و کشتار دسته جمعی می‌کشاند و جوانان و نیروی کار را به اجبار به سربازی و میدان‌های جنگ می‌کشاند‌ اما سرمایه داران از جنگ آسیب چندانی نمی بینند آنان به مکان‌های امن تر کوچ می‌کنند و ذخیره‌های فراوانی را که از دسترنج نیروی کار به دست آورده اند، پشتوانه زندگی خود می‌کنند و برخی از آنان با احتکار و ذخیره‌سازی‌های با برنامه به ثروت‌های کلان‌تری دست‌ می‌یابند‌.

اکنون چندی است که نفیر جنگ میان یکی از قدرتمندترین ارتش‌های نظام سرمایه‌داری یعنی امریکا با سپاه پاسداران ایران به صدا در آمده است‌.‌ ابتدا سپاه به عنوان یک نیروی تروریستی اعلام شد و سپس تحریم همه جانبه گردید و اکنون با فرستادن ناوها و تقویت پادگان‌های موجود در منطقه تدارک حمله و برنامه‌ریزی برای درهم شکستن توان نظامی آن فراهم می‌شود‌.‌ از طرف دیگرتلاش می‌شود تا‌ انجام عملیات نظامی مانند آتش زدن کشتی‌ها در بندر فجیره و پرتاب راکت به سمت سفارت امریکا در بغداد نیز در ارتباط با سپاه جلوه داده شود که در چنین شرايطي‌ تعیین صحت و سقم آن بسی مشکل است‌؛ هرچند عملکرد سال‌ها فعالیت نیروهای نظامی و شبه نظامی وابسته به ایران در منطقه نیز به اندازه کافی بهانه‌های لازم را در این زمینه به جنگ‌طلبان امریکایی، اروپایی و جنگ‌طلبان منطقه داده است و بحران های اقتصادی و اجتماعی، فساد، دزدی، اختلاس و غارت اموال کارگران و زحمت‌کشان نیز چنان تار و پود جامعه ایران را در بر گرفته که برای برون‌رفت از بحران های اقتصادی و اجتماعی ناشی از آن، به نظر می‌رسد جنگ گزینه خوبی باشد برای سوی دیگر این مناقشه.

و تلاش بی وقفه‌ای نیز از جانب رسانه‌های در دست نظام سرمایه‌داری صورت می‌گیرد تا این جنگ را مشروع جلوه دهند و صد البته که در این راه چه بزرگنمايي‌ها و چه دروغ‌ها که به هم بافته نخواهد شد‌. همان‌گونه که در جریان حمله به عراق در سال 2003 تانکر‌های آب را به جای مخازن سلاح‌های کشتار جمعی جا زدند تا حمله به عراق را توجیه کنند و پس از برملا شدن این دروغ‌ها و یافت نشدن سلاح‌های کشتار جمعی در عراق هیچ نهاد بین‌المللی و هیچ حكومتي مورد باز خواست قرار نگرفت و تا به امروز هم این مسئله از موضوعات لاینحل باقی مانده است‌.‌ اما چه کسی مسئول ویرانی و کشتار پانزده ساله در عراق و نابودی زندگی میلیون‌ها انسانی است که تاوان این جنگ را پرداختند؟

اکنون دیگر نه از صدام و دارو دسته توسعه‌طلب نظامی او در منطقه خبری مانده است و نه نیرو‌های اشغالگر و مهاجم توانسته اند جای پايي در میان مردم منطقه به دست آورند و جنگ میان سرمایه‌داران و صاحبان قدرت هیچ نفعی برای مردم عراق و منطقه به جز خرابی و ويراني ونابودی زیر ساخت‌های اقتصادی و اجتماعی و کشتار نداشته است‌.

حال بار دیگر نظام سرمایه‌داری می‌خواهد بحران‌های خودش را با جنگ افروزی کاهش دهد و بهانه آن را در این منطقه یافته است‌.‌ موضع گیری‌های آن دسته از نیرو‌های سیاسی که همواره به دنبال راه کار در مناسبات قدرت می‌گردند، روشن است‌. آنان همواره می‌خواهند با قرار گرفتن در کنار بخشی از قدرت در استثمار و بهره کشی از کارگران و زحمتکشان در فردای جنگ و صلح سهیم باشند‌.‌ بخشی با قرار گرفتن در کنار مهاجمان در آرزوی سرنوشت عراق هستند تا در فردای فرو کش کردن جنگ با اربابان آمریکايي کنار بیایند و به الاف و الوف برسند‌.‌ آنان از هم اکنون در کنار جان بولتون‌ها و دونالد ترامپ سفره‌های خود را گسترده و برایشان کف‌ می‌زنند و هورا میکشند و بخشی دیگر در آرزوی "سوریه‌ای" شدن‌اند و انتظار حمایت جنایتکاری همانند پوتین را دارند تا چند صباحی دیگر همانند بشار اسد با ویرانی و نابودی و کشتار مردم بر ویرانه‌ها حكومت کنند‌.

اما کارگران و زحمتکشان و مردم تحت ستم را از این جنگ و ویرانی و کشتار خیری نیست.

آنان به خوبی می‌دانند که در فردای قدرت گرفتن هر کدام از طرفین، بار تمامی کشتار‌ها و ويراني‌ها بردوش آنان است زیرا که از هم کنون دریافته‌اند که بیشترین بار تحریم‌ها و گرانی‌ها بردوش کارگران و زحمتکشان و نیروی کاری است که هر روز معیشتش ویران‌تر می‌شود و فقر و بیکاری و سیه روزی سهم آنان است‌، به هر ترتیب که این جنگ ستمگرانه پایان یابد‌،‌ جنگی که برای قدرت است و هیچ ارتباطی به زندگی کارگران و زحمتکشان و مردم تحت ستم ندارد‌.‌

کارگران و زحمتکشان در کشاکش نبرد با سرمایه داران و قدرت‌های حامی آنان دریافته‌اند که تنها با تکیه به تشکل‌ها و نهادهاي مستقل خودشان می‌توانند از زندگی و معیشت‌شان‌ دفاع کنند پس در هر شرايطي، چه جنگ و چه صلح، به ایجاد تشکل‌های مستقل و همبسته و سراسری خواهند پرداخت و منتظر الطاف سرمایه‌داران نخواهند بود.

کانون مدافعان حقوق کارگر

<http://www.kanoonm.com/3299>

31 اردیبهشت1398